اخبار

ظفرقندی:

تاب‌آوری باید وارد بیمارستان‌ها شود



وزیر بهداشت، با اشاره به اهمیت مقوله تاب‌آوری در نظام سلامت، گفت: موضوع مهمی مثل تاب‌آوری باید از محیط بسته همایش ها بیرون برود و به بیمارستان ها برسد.

به گزارش مهر، محمدرضا ظفرقندی، در همایش مدیران پرستاری با عنوان ارتقای تاب‌آوری حرفه‌ای در جامعه پرستاری که صبح یکشنبه یکم آذر ۱۴۰۵ در مرکز همایش‌های بیمارستان قلب شهید رجایی برگزار شد، اظهار داشت: تاب‌آوری منحصر به زمان جنگ نیست و باید در همه شرایط به تاب‌آوری فکر کرد. وی افزود: ما این بحث ها را باید از محیط بسته همایش بیرون ببریم و بتوانیم تاب‌آوری را سازماندهی کنیم. وزیر بهداشت گفت: نگاه مترون با کار فردی و گروهی پرستاران، از اهمیت زیادی برخوردار است. ظفرقندی ادامه داد: در جنگ اخیر، همه نیروهای سلامت پای کار بودند و این خیلی مهم است.

وی خطاب به مترون ها و مدیران پرستاری، افزود: تاب‌آوری با سختی دادن متفاوت است. اگر شرایطی ایجاد کنیم که تاب‌آوری شکل بگیرد؛ بهره‌وری نیز افزایش خواهد یافت.

وزیر بهداشت گفت: ایجاد امکانات رفاهی برای پرسنل، موضوعی است که بعضی ها متوجه آن نیستند و نمی دانند بسته تاب‌آوری چیست.

ظفرقندی با اشاره به موضوع جنگ، تاکید کرد: مردم ما در جنگ اخیر حماسه آفریدند.

وی با عنوان این مطلب که مترون ها باید پخته تر عمل کنند، افزود: امیدوارم با تسری این همایش ها، وظیفه ای که بر عهده ما گذاشته شده است، به خوبی انجام دهیم.

انهدام باند آدم‌ربایی با جعل عنوان «پلیس» در تهران



رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از شناسایی و دستگیری اعضای باندی خبر داد که با جعل عنوان مأمور نیروی انتظامی و وعده تهیه گذرنامه و مهاجرت به اروپا، اتباع افغانستانی را ربوده و از خانواده‌های آن‌ها اخاذی می‌کردند.

به گزارش ایسنا، سرهنگ اصغر خدایی در این باره اظهار کرد: در پی ثبت چند پرونده درباره ربایش اتباع افغانستانی با شیوه‌ای مشابه، رسیدگی به موضوع در دستور کار کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

به گفته وی، بررسی‌ها نشان داد اعضای این باند با ارسال پیام در فضای مجازی، وعده تهیه گذرنامه و فراهم کردن امکان مهاجرت به یکی از کشورهای اروپایی را مطرح می‌کردند. آن‌ها پس از جلب اعتماد افراد، مدارک هویتی و تصاویرشان را دریافت کرده و برای ملاقات حضوری در یکی از پارک‌های تهران قرار می‌گذاشتند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: اعضای باند پس از حضور قربانیان در محل قرار، با پوشیدن لباس نیروی انتظامی و معرفی خود به‌عنوان مأمور، آن‌ها را به‌ظاهر بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل می‌کردند.

خدایی افزود: متهمان پس از ربایش، با خانواده افراد تماس می‌گرفتند و با ارسال تصاویر و فیلم‌هایی از آن‌ها، مبالغی را برای آزادی‌شان به‌صورت رمزارز مطالبه می‌کردند.

به گفته این مقام انتظامی، کارآگاهان با تجمیع اطلاعات پرونده‌ها و انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی، تعدادی از اعضای باند را در شهرستان ملارد شناسایی کردند. در پی دریافت مجوز قضایی، مأموران در عملیاتی چند نفر از اعضای این گروه را بازداشت کردند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به اعتراف متهمان به چند فقره آدم‌ربایی با این شیوه، گفت: شماری از شاکیان نیز در مواجهه حضوری، افراد بازداشت‌شده را شناسایی کرده‌اند.

خدایی در پایان تأکید کرد: تحقیقات برای شناسایی دیگر افراد مرتبط با این پرونده و بررسی جرائم احتمالی بیشتر همچنان ادامه دارد.

بررسی پیامدهای سقوط طبقه متوسط به طبقات پایین تر

فاصله بین بحران های اجتماعی کوتاه‌تر شده است

امان‌الله قرایی‌مقدم، جامعه‌شناس، با هشدار درباره پیامدهای انباشت بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌گوید کاهش توان اقتصادی، فرسایش طبقه متوسط و از بین رفتن چشم‌انداز آینده می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های بزرگ‌تر اجتماعی شود؛ وضعیتی که به اعتقاد او، آثار آن حتی با بهبود شرایط اقتصادی نیز به‌سرعت ترمیم نخواهد شد.



وقتی طبقه متوسط به سمت طبقات پایین‌تر حرکت می‌کند و توان اقتصادی و جایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهد، مسئله فقط جابه‌جایی اقتصادی افراد نیست؛ بلکه بخشی از ظرفیت آگاهی‌بخشی و تحرک اجتماعی جامعه نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد

جامعه ایران در سال‌های گذشته با مجموعه‌ای از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مواجه بوده است؛ بحران‌هایی که، به‌تدریج روی یکدیگر انباشته شده‌اند. در چنین شرایطی، مسئله دیگر صرفاً کاهش قدرت خرید و کوچک‌شدن سفره خانوارها نیست، بلکه تأثیر این فشارها بر ساختار طبقاتی، ازدواج، فرزندآوری، مهاجرت، روابط اجتماعی و اعتماد عمومی نیز اهمیت پیدا کرده است.

به گزارش اقتصادنیوز، زندگی در یک شهر بزرگ لزوماً به معنای برخورداری از فرصت‌های بیشتر نیست؛ گاهی دسترسی به شغل و درآمد بهتر، با اجاره‌های سنگین، هزینه رفت‌وآمد، آلودگی و فشارهای اقلیمی همراه می‌شود. گزارش تازه OECD نشان می‌دهد شکاف میان شهرها و مناطق مختلف در حال عمیق‌تر شدن است.

امان‌الله قرایی‌مقدم، جامعه‌شناس، معتقد است تداوم فشارهای اقتصادی می‌تواند ساختارهای مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و بازسازی اعتماد و آرامش اجتماعی، حتی پس از بهبود شرایط اقتصادی، به زمان نیاز خواهد داشت.

مشروح گفت‌وگو با امان‌الله قرایی‌مقدم، جامعه‌شناس را در ادامه بخوانید.

*در سال‌های گذشته درباره تاب‌آوری جامعه ایران در برابر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی صحبت‌های زیادی مطرح شده است، اما امروز به نظر می‌رسد موضوع از تحمل فشارها فراتر رفته و جامعه با نوعی فرسودگی و استیصال مواجه شده است. آیا می‌توان گفت توان مردم برای مقابله با بحران‌های پی‌درپی کاهش پیدا کرده و جامعه از مرحله تاب‌آوری عبور کرده است؟

بله، کاملاً درست است. توان افراد برای مقابله با مشکلات، در حوزه اقتصادی و به‌ویژه مسئله اشتغال، بیکاری، گرانی و تورم و چه در حوزه مسائل اجتماعی، رفتاری و سیاسی، محدود است. هر فردی تا حد مشخصی می‌تواند در برابر مشکلات مقاومت کند و دوام بیاورد. وقتی فشارها از یک حد معین عبور می‌کنند، دیگر توان افراد کاهش پیدا می‌کند و ممکن است به نقطه‌ای برسند که احساس کنند دیگر قادر به ادامه این وضعیت نیستند.

برای مثال، یکی از عوامل مهم خودکشی در برخی افراد، سرخوردگی از شرایط زندگی و مشکلاتی است که آنها را احاطه کرده است. البته خودکشی عوامل متعددی دارد و میزان آن نیز در استان‌های مختلف متفاوت است، اما سرخوردگی ناشی از مشکلات و ناتوانی در مقابله با آنها می‌تواند یکی از عوامل مهم باشد. هر فردی تا اندازه‌ای توان تحمل و مبارزه با مشکلات را دارد، اما وقتی فشارها از حد مشخصی عبور می‌کنند، این توان از بین می‌رود.

همان‌طور که می‌بینیم، وضعیت اقتصادی نابسامان و تورم شدید، موضوعی است که مسئولان کشور نیز درباره آن صحبت می‌کنند. رئیس‌جمهور و رهبری نیز به مسائل و مشکلات اقتصادی اشاره کرده‌اند. واقعیت این است که توان مالی مردم تحلیل رفته است. وقتی قیمت هر عدد تخم‌مرغ به ۲۵ یا ۳۰ هزار تومان می‌رسد، گوشت به کیلویی یک میلیون و ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان می‌رسد و قیمت میوه نیز به همین ترتیب افزایش پیدا می‌کند، مردم چگونه باید در برابر این وضعیت مقاومت کنند؟

این بحران اقتصادی که همه از آن صحبت می‌کنند، همچنان ادامه دارد، اما اقدام مؤثری برای متوقف‌کردن آن مشاهده نمی‌شود و قیمت‌ها هر روز افزایش پیدا می‌کنند. در نتیجه، توان مالی مردم و قدرت مقاومت آنها در برابر مشکلات کاهش می‌یابد. وقتی این توان از بین می‌رود، زمینه برای شکل‌گیری بحران‌های سیاسی، اجتماعی و سایر مشکلات نیز فراهم می‌شود.

*وقتی بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به‌جای پایان‌یافتن، روی یکدیگر انباشته می‌شوند، چه تفاوتی با یک بحران مقطعی پیدا می‌کنند؟ آیا تداوم این وضعیت می‌تواند اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را تضعیف کند؟

تفاوت اصلی این است که بحران‌های مقطعی معمولاً گذرا هستند و با برطرف‌شدن مشکل یا معضلی که در جامعه به وجود آمده، شرایط نیز به‌تدریج به حالت عادی بازمی‌گردد. اما زمانی که یک مشکل برای مدت طولانی ادامه پیدا می‌کند، دیگر نمی‌توان آن را بحران مقطعی دانست.

در حال حاضر، با بحران‌هایی مواجه هستیم که استمرار پیدا کرده‌اند. البته این مشکلات پیش از جنگ نیز وجود داشته‌اند و نمی‌توان پیدایش همه آنها را به شرایط اخیر نسبت داد. وقتی بحران‌ها ادامه پیدا می‌کنند، آثارشان نیز در بخش‌های مختلف جامعه گسترش می‌یابد.

از سوی دیگر، باید توجه کنیم که بحران‌های اجتماعی معمولاً به‌صورت ناگهانی و یک‌باره به وجود نمی‌آیند. بحران‌هایی که در ابتدا کوچک به نظر می‌رسند، به‌تدریج گسترش پیدا می‌کنند و می‌توانند به بحران‌های بزرگ‌تر تبدیل شوند.

اگر به روند تحولات اجتماعی در سال‌های گذشته نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که فاصله زمانی میان برخی رخدادها و بحران‌های اجتماعی کوتاه‌تر شده است. برای مثال، وقتی رخدادهای سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و سال‌های بعد را در کنار یکدیگر قرار می‌دهیم، می‌بینیم که فاصله زمانی میان این اتفاقات کاهش پیدا کرده است. در واقع، دوره‌های زمانی کوتاه‌تر شده‌اند و این مسئله نشان می‌دهد که مشکلات و تضادهای اجتماعی به‌تدریج روی یکدیگر انباشته می‌شوند.

پیامدهای سقوط طبقه متوسط به طبقات پایین تر

موضوع مهم دیگر، وضعیت طبقه متوسط است. طبقه متوسط یکی از مهم‌ترین طبقات جامعه از نظر آگاهی‌بخشی به طبقات پایین‌تر است. این طبقه می‌تواند در تحولات اجتماعی نقش داشته باشد و جامعه را به حرکت درآورد. افرادی مانند شما، من و بسیاری دیگر که تحصیلات دانشگاهی دارند و از مسائل اجتماعی و اقتصادی آگاهی بیشتری برخوردارند، در همین طبقه قرار می‌گیرند.

وقتی طبقه متوسط به لحاظ اقتصادی تضعیف می‌شود و به سمت طبقات پایین‌تر سقوط می‌کند، این اتفاق اهمیت زیادی پیدا می‌کند. من با اشاره به دیدگاه وارنر لوید و دیگر جامعه‌شناسان طبقاتی، تأکید می‌کنم که ساختار طبقاتی جامعه و جابه‌جایی افراد میان طبقات اهمیت زیادی دارد. طبقات پایین نیز خود از گروه‌های مختلفی تشکیل شده‌اند و بخشی از آنها در پایین‌ترین سطوح ساختار اجتماعی قرار دارند.

طبقه متوسط، طبقه‌ای است که تحصیلات بیشتری دارد، دانشگاه دیده است، از مسائل اجتماعی آگاهی دارد و می‌تواند درباره خوب و بد شرایط جامعه آگاهی‌بخشی کند. وقتی این طبقه به سمت طبقات پایین‌تر حرکت می‌کند و توان اقتصادی و جایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهد، مسئله فقط جابه‌جایی اقتصادی افراد نیست؛ بلکه بخشی از ظرفیت آگاهی‌بخشی و تحرک اجتماعی جامعه نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

وقتی طبقه متوسط تضعیف می‌شود و بخش‌هایی از جامعه که پیش‌تر در این طبقه قرار داشتند، به طبقات پایین‌تر سقوط می‌کنند، شرایط برای شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی نیز پیچیده‌تر می‌شود. در چنین وضعیتی، مشکلات کوچک و پراکنده می‌توانند به‌تدریج به حرکت‌ها و جنبش‌های بزرگ‌تر تبدیل شوند.

بنابراین، خطر اصلی این است که طبقه متوسط به‌تدریج فروبریزد و بخش‌هایی از آن به طبقات پایین‌تر منتقل شوند. این وضعیت می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی و تحرکات بزرگ‌تر شود. به همین دلیل، فرسایش اقتصادی طبقه متوسط را باید جدی گرفت.

اقتصاد بر ازدواج، فرزندآوری و مهاجرت تأثیر می‌گذارد

*فشارهای اقتصادی امروز دیگر صرفاً به کوچک‌شدن سفره خانوارها محدود نیست و بر تصمیم‌هایی مانند ازدواج، فرزندآوری، تحصیل و حتی ماندن در کشور تأثیر گذاشته است. آیا می‌توان گفت جامعه علاوه بر فقر اقتصادی با نوعی فقر امید و آینده نیز مواجه شده است؟

کاملاً همین‌طور است. برای توضیح این مسئله می‌توان از یک مثال استفاده کرد. فرض کنید روی یک میز فلزی، اشیای مختلفی قرار داده‌اید و در زیر میز یک آهنربا وجود دارد. هر طرف که آهنربا را بچرخانید، اشیای فلزی روی میز نیز به همان سمت حرکت می‌کنند.

اقتصاد نیز چنین نقشی در جامعه دارد. وقتی اقتصاد را زیربنای جامعه در نظر می‌گیریم، باید توجه کنیم که تغییرات اقتصادی بر بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی اثر می‌گذارد. وقتی وضعیت اقتصادی نامناسب باشد، آثار آن در حوزه ازدواج، فرزندآوری، طلاق، خودکشی، مهاجرت نخبگان، ناراحتی‌های روانی، پرخاشگری و خشونت اجتماعی نیز دیده می‌شود.

برای مثال، وقتی فردی با چنین قیمت‌هایی برای نیازهای اولیه زندگی مواجه است، چگونه می‌تواند برای فرزندآوری تصمیم بگیرد؟ امروز هزینه شیرخشک برای یک کودک به حدود دو میلیون تومان و هزینه یک بسته پوشک به حدود ۸۰۰ هزار تومان رسیده است. خانواده‌ای که با چنین هزینه‌هایی روبه‌روست، چگونه باید برای فرزندآوری برنامه‌ریزی کند؟

نسل جوان نیز به همین دلیل در تصمیم‌گیری برای ازدواج و فرزندآوری با تردیدهای جدی مواجه است. من سال‌ها قبل نیز درباره تغییر ذهنیت افراد در این زمینه صحبت کرده بودم. امروز وقتی یک زوج جوان می‌خواهد درباره فرزندآوری تصمیم بگیرد، هزاران سؤال در ذهنش شکل می‌گیرد. این کودک در آینده چه وضعیتی خواهد داشت؟ شغلش چه خواهد شد؟ چگونه می‌تواند ازدواج کند؟ آیا مسکن خواهد داشت؟ آیا امکان تأمین هزینه‌های زندگی برای او وجود خواهد داشت؟

وقتی چشم‌انداز آینده جامعه نامناسب باشد، طبیعی است که افراد برای فرزندآوری تمایل کمتری داشته باشند. زوج‌ها درباره این مسائل با یکدیگر صحبت می‌کنند و ممکن است در نهایت تصمیم بگیرند فعلاً فرزندی نداشته باشند.

از طرف دیگر، کاهش توان اقتصادی باعث می‌شود تفریحات و امکانات زندگی مردم نیز محدود شود. وقتی تفریحات و فرصت‌های معمول زندگی کاهش پیدا می‌کند، فشارهای روانی بیشتر می‌شود و می‌تواند به افزایش خشونت و پرخاشگری منجر شود.

امروز حتی ممکن است یک برخورد یا یک جمله ساده، واکنش‌های تندی به دنبال داشته باشد. اینها نشانه‌هایی از فشاری است که بر جامعه وارد می‌شود. طبقات پایین جامعه به‌شدت تحت فشار هستند و طبقه متوسط نیز وضعیت مناسبی ندارد. البته طبقات بالاتر نیز از برخی پیامدهای این شرایط تأثیر می‌پذیرند، اما شدت و شکل این تأثیرگذاری در گروه‌های مختلف یکسان نیست. موضوع مهاجرت نخبگان نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. چرا جوانان و افراد نخبه از کشور مهاجرت می‌کنند؟ چون چشم‌اندازی برای آینده خود نمی‌بینند. وقتی فرد احساس کند در کشور امکان ساختن آینده‌ای مناسب برای خود ندارد، به دنبال فرصت‌های دیگری می‌رود.

بنابراین، تمام این مسائل به وضعیت زیربنایی اقتصاد بازمی‌گردد. وقتی اقتصاد به‌عنوان زیربنای جامعه دچار مشکل باشد، ساختارهای مختلف اجتماعی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این‌طور نیست که بتوان اقتصاد را از سایر بخش‌های زندگی اجتماعی جدا کرد. وقتی زیربنای یک ساختمان دچار مشکل شود، طبیعی است که کل ساختمان به لرزه درمی‌آید. در جامعه نیز وضعیت اقتصادی بر تمام ساختارها و روابط اجتماعی اثر می‌گذارد.

ترمیم فرسایش اجتماعی حتی پس از بهبود اقتصاد زمان‌بر است

*فرض کنیم شرایط اقتصادی به هر شکلی بهبود پیدا کند و بخشی از مشکلات معیشتی برطرف شود. آیا آثار اجتماعی این دوره از فشار و فرسایش نیز قابل جبران است یا جامعه برای بازسازی اعتماد، امید و روابط اجتماعی به زمان زیادی نیاز دارد؟

هیچ چیزی در جامعه به‌سرعت ترمیم نمی‌شود. جامعه مانند یک شیشه نیست که آن را باز کنیم و دوباره به حالت اول برگردانیم. تغییرات اجتماعی به‌تدریج اتفاق می‌افتند و بازسازی آنها نیز به زمان نیاز دارد.

برای مثال، وقتی شما در یک آزمایشگاه چندین سال آزمایش انجام می‌دهید، ممکن است پس از مدتی متوجه شوید که نتیجه موردنظر به دست نیامده است. جامعه نیز باید شرایط مختلف را تجربه کند تا به‌تدریج متوجه شود چه اتفاقی در حال رخ‌دادن است. افراد تجربه‌های خود را به دیگران منتقل می‌کنند و این آگاهی به‌تدریج در سطح جامعه گسترش پیدا می‌کند.

بنابراین، حتی اگر شرایط اقتصادی اصلاح شود، آثار اجتماعی مشکلات گذشته یک‌شبه از بین نمی‌روند و ممکن است چند سال طول بکشد تا جامعه بتواند خود را ترمیم کند.

البته اگر شرایط اقتصادی بهبود پیدا کند، می‌توان امیدوار بود که بحران‌ها کاهش یابند، شکاف‌های اجتماعی کمتر شوند و آرامش و ثبات بیشتری در جامعه به وجود بیاید. در چنین شرایطی، اعتماد عمودی، یعنی اعتماد مردم به حاکمیت و دولت، می‌تواند افزایش پیدا کند. اعتماد افقی نیز که به روابط و اعتماد میان خود مردم مربوط می‌شود، تقویت خواهد شد و جامعه به سمت آرامش حرکت می‌کند.

بلاتکلیفی میان جنگ و صلح؛ یکی از عوامل تشدید بحران اجتماعی

*در کنار بحران اقتصادی، جامعه با نوعی بلاتکلیفی سیاسی و نگرانی درباره آینده نیز مواجه است. به نظر شما این وضعیت چه نقشی در تشدید فرسایش اجتماعی دارد؟ آیا می‌توان گفت نامشخص‌بودن چشم‌انداز سیاسی و امنیتی، فشارهای اقتصادی را نیز تشدید می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین مشکلات فعلی ما، علاوه بر مسئله اقتصادی، بحران سیاسی و بلاتکلیفی درباره وضعیت آینده است. جامعه نمی‌داند فردا صبح چه اتفاقی خواهد افتاد و آیا حمله‌ای صورت می‌گیرد یا خیر.

امروز وقتی فردی از خانه خارج می‌شود، ممکن است همسر، مادر یا پدرش نگران باشند که آیا او سالم به خانه بازخواهد گشت یا نه. نگرانی درباره اینکه آیا ممکن است بمبی فرود بیاید یا اتفاقی رخ دهد، به بخشی از دغدغه‌های روزمره مردم تبدیل شده است.

این وضعیت یکی از عوامل مهم فشار روانی و اجتماعی است. مسئله این است که مردم نمی‌دانند وضعیت کشور به سمت جنگ می‌رود یا صلح. این بلاتکلیفی باید تعیین تکلیف شود.

در چنین شرایطی، مردم در شهرها و روستاهای مختلف با درجات متفاوتی از نگرانی مواجه هستند. ممکن است شدت این نگرانی در برخی استان‌ها و مناطق بیشتر و در برخی دیگر کمتر باشد، اما مسئله محدود به یک منطقه خاص نیست. یک شهروند آذری، یک شهروند ایلامی، فردی در کردستان یا اصفهان و حتی ساکنان مناطق دیگری مانند نطنز و خراسان نیز اخبار و تحولات را دنبال می‌کنند و تحت تأثیر فضای عمومی جامعه قرار می‌گیرند.

ممکن است میزان تأثیرپذیری افراد در مناطق مختلف یکسان نباشد، اما وقتی مردم می‌شنوند که در نقطه‌ای از کشور احتمال وقوع حمله یا درگیری وجود دارد، این نگرانی به فضای عمومی جامعه منتقل می‌شود.

مشکل اصلی این است که مردم نمی‌دانند تکلیف وضعیت کشور چیست. آیا قرار است جنگ ادامه پیدا کند یا شرایط به سمت صلح برود؟ مقام معظم رهبری نیز به موضوع دشواری زندگی در شرایط نامشخص جنگ و صلح اشاره کرده‌اند. مردم نمی‌توانند در چنین وضعیت بلاتکلیفی آرامش داشته باشند.

به نظر من، باید این وضعیت روشن شود؛ زیرا تداوم بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کنار بلاتکلیفی سیاسی می‌تواند نارضایتی ایجاد کند و مشکلات بیشتری برای جامعه به وجود بیاورد.

خبر

سالانه ۱۴۲ هزار مورد ابتلا به سرطان در کشور ثبت می‌شود

کاهش سن ابتلا به سرطان‌ها

رئیس گروه مدیریت سرطان دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت گفت: بر اساس آمارهای نظام ثبت سرطان، سالانه حدود ۱۴۲ هزار مورد جدید ابتلا به سرطان در کشور ثبت می‌شود و این یعنی روزانه حدود ۳۹۰ تا ۴۰۰ مبتلای جدید به سرطان‌ها داریم که کمتر از نصف مربوط به بانوان و بیشتر از نصف مربوط به آقایان است.

مریم بهشتیان در گفت‌وگو با ایرنا درباره بیماری سرطان، پیشگیری از آن و غربالگری سرطان افزود: ایران در سال ۲۰۲۴ در میان کشورهای دیگر، از نظر بروز سرطان در کشورهای با بروز متوسط طبقه بندی شد و این موضوع یک زنگ خطر محسوب می‌شود.

وی ادامه داد: یکی از اجزای پیشگیری از سرطان‌ها، موضوع خودمراقبتی است؛ اگر بتوانیم سواد سلامت جامعه را درباره سرطان‌ها بالاتر ببریم، بسیار کمک می‌کند که افراد جامعه بر اساس همین آگاهی‌ها، از سلامت خود مراقبت کنند. در این زمینه، اصول ده گانه‌ای وجود دارد که بسیاری به آن توجه نمی‌کنند؛ یکی از این موارد، دخانیات اعم از سیگار و قلیان است. الگوهای متفاوتی در کشور از نظر مصرف و مواجهه با دخانیات داریم و باید توجه کنیم که این موضوع در بروز بیماری‌ها بسیار مهم است. وقتی مواد موجود در دخانیات شروع به سوختن کرده و تبدیل مواد شیمیایی اتفاق می‌افتد، به دی ان ای سلول‌ها آسیب زده و منجر به افزایش استعداد ابتلا به سرطان می‌شود. حداقل ۱۰ نوع سرطان با مصرف دخانیات ارتباط دارد و باید این خطر، جدی گرفته شود.

رئیس گروه مدیریت سرطان دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت بیان کرد: موضوع دیگر، تحرک بدنی و نگه داشتن وزن در محدوده پایدار است؛ گاهی رژیم‌هایی گرفته و رها شده و وزن بالا و پایین می‌شود و تغییرهای التهابی در بدن و برخی هورمون‌ها رخ می‌دهد که خطر ابتلا به سرطان را افزایش داده و به خصوص پس از یائسگی، خطر ابتلا به سرطان پستان و آندومتر را افزایش می‌دهد.

سرطان‌های شایع در زنان

بهشتیان درباره سرطان‌های شایع در زنان گفت: بر اساس آخرین آمارها، سه سرطان پستان، تیروئید و کولورکتال در زنان شایع هستند و البته سرطان‌هایی وجود دارد که شایع محسوب نمی‌شوند و چون مداخله‌پذیر بوده و می‌توان با مداخله به موقع، بیماری را به طور کامل درمان کرد، باید مورد توجه قرار بگیرند که از جمله این موارد می‌توان به سرطان سرویکس یا دهانه رحم اشاره کرد.

کاهش سن ابتلا به سرطان‌ها

رئیس گروه مدیریت سرطان دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت درباره کاهش سن ابتلا به سرطان‌ها بیان کرد: آمارها می‌گوید که ۲۸ درصد سرطان‌های زنان مربوط به سرطان پستان است. از نظر سن بروز این بیماری، سن بروز برخی سرطان‌ها در حال کاهش است که البته این موضوع فقط مربوط به ایران نیست و در بسیاری از کشورها رخ می‌دهد، زیرا کاهش سن ابتلا به سرطان و افزایش ابتلا، به علت دلایل مختلف رخ می‌دهد که از جمله این موارد می‌توان به روندهای جمعیتی و سالمندی اشاره کرد. وقتی جمعیت سالمند می‌شود، میزان ابتلا به سرطان هم افزایش پیدا می‌کند.

بهشتیان ادامه داد: همچنین عوامل خطر و الگوهای مختلفی که در مناطق گوناگون به عنوان سبک زندگی انتخاب می‌شود، در این زمینه تاثیر دارند. بنابراین می‌توان گفت که سن ابتلا به سرطان پستان در حال کاهش است و بر اساس آخرین تحقیقات، یکی از دلایل اصلی این موضوع، سبک زندگی ناسالم، عدم تحرک، مصرف مواد غذایی ناسالم و غذاهای فرآوری شده است. بسیاری از جوانان و میان سالان و حتی سالمندان از غذاهای فرآوری شده و فست فودها استفاده می‌کنند. اگر می‌گوییم سن ابتلا کاهش پیدا کرده، نباید به صورت تک عاملی در نظر گرفته شود؛ در اکثر کشورهایی که به سمت سالمندی رفته‌اند، این اتفاق رخ داده است.

پیشگیری از سرطان با انتخاب سبک زندگی سالم

وی افزود: بحث تغذیه نیز مطرح است و باید توجه کنیم که روش‌های پخت و پز و مصرف قند و نمک چقدر سالم است. در دنیا گفته می‌شود از هر ۴ مورد مرگ ناشی از سرطان، یک مورد به دلیل مصرف دخانیات، الکل، وزن بالا، مصرف ناکافی میوه و سبزیجات و کم تحرکی است؛ در حالی‌که می‌توان با دانستن مواردی و اتخاذ سبک زندگی سالم، از این بیماری پیشگیری کرد. در نتیجه باید عوامل خطر را بشناسیم و مواجهه را کاهش داده یا اجتناب کنیم.

ایران از نظر مصرف آنتی‌بیوتیک وضعیت نامطلوبی دارد

ممکن است دیگر دارویی برای مقابله با برخی عفونت‌ها نداشته باشیم

عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران، با هشدار نسبت به وضعیت نامطلوب مصرف آنتی‌بیوتیک در کشور، افزایش عفونت‌های مقاوم به دارو را از پیامدهای مصرف بی‌رویه این داروها دانست و تأکید کرد: تجویز آنتی‌بیوتیک باید صرفاً با تشخیص پزشک انجام شود و داروخانه‌ها نباید بدون نسخه این داروها را در اختیار مردم قرار دهند.

مصرف بی‌رویه و خودسرانه آنتی‌بیوتیک‌ها در سال‌های اخیر به یکی از نگرانی‌های جدی نظام سلامت تبدیل شده است، موضوعی که با افزایش مقاومت میکروبی، اثربخشی داروهای موجود را با تهدید مواجه کرده و می‌تواند درمان عفونت‌های معمولی را نیز در آینده دشوار کرده است.

مینو محرز، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران ، در گفت‌وگو با برنا، با هشدار نسبت به وضعیت مصرف آنتی‌بیوتیک در کشور اظهار کرد: متاسفانه ایران در مقایسه‌های سازمان جهانی بهداشت از نظر مصرف آنتی‌بیوتیک وضعیت بسیار نامطلوبی دارد و مصرف این داروها در کشور بدون حساب و کتاب انجام می‌شود.

وی با اشاره به افزایش موارد عفونت‌های مقاوم به دارو، ادامه داد: مصرف بی‌رویه آنتی‌بیوتیک باعث شده عفونت‌های مقاوم بیشتر شوند و اکنون با موارد روزافزون عفونت‌های فرصت‌طلب در بیمارستان‌ها مواجه هستیم. این وضعیت زنگ خطری جدی برای نظام سلامت است چراکه ممکن است به نقطه‌ای برسیم که دیگر دارویی برای مقابله با برخی عفونت‌ها نداشته باشیم.

این استاد دانشگاه با تاکید بر پیامدهای خطرناک مقاومت میکروبی بیان کرد: اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، میکروب‌ها به‌ویژه در محیط‌های بیمارستانی مقاوم‌تر می‌شوند و ممکن است در آینده حتی یک عفونت معمولی نیز جان افراد را به خطر بیندازد. در چنین شرایطی، با محدود شدن داروهای مؤثر، درمان بیماران بسیار دشوار خواهد شد.

محرز نقش پزشکان در کنترل مصرف آنتی‌بیوتیک را بسیار مهم دانست و گفت: تجویز آنتی‌بیوتیک بر عهده پزشک است، اما متأسفانه برخی داروخانه‌ها نیز این داروها را بدون نسخه در اختیار مردم قرار می‌دهند. بسیاری از خانواده‌ها در خانه‌های خود یک داروخانه دارند و داروها را بدون توجه به عوارض و ضرورت مصرف می‌کنند در حالی که این مسئله باید کنترل شود.

وی با اشاره به اینکه هیچ دارویی نباید بدون توجه به ضرورت مصرف شود، افزود: یک تابلوی قدیمی در موزه پزشکی وجود دارد که روی آن نوشته شده است «دارو اگر سم نباشد، غذا نیست». مردم باید بدانند داروها را نمی‌توان بی‌حساب مصرف کرد و عرضه دارو بدون نسخه نیز باید کنترل شود. اصولاً در هیچ جای دنیا نباید دارو بدون نسخه در اختیار بیمار قرار بگیرد و آنتی‌بیوتیک‌ها به‌طور قطع باید مشمول این محدودیت باشند.

این عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران با اشاره به تصور اشتباه برخی افراد درباره ضرورت مصرف آنتی‌بیوتیک هنگام سرماخوردگی و تب، تصریح کرد: بسیاری از مردم تصور می‌کنند با بروز سرماخوردگی یا تب باید آنتی‌بیوتیک مصرف کنند، در حالی که عفونت‌های ویروسی به این داروها نیاز ندارند. آنتی‌بیوتیک‌ها بر باکتری‌ها اثر می‌گذارند و در درمان ویروس‌ها مؤثر نیستند.

محرز با تأکید بر ضرورت تشخیص پزشک برای تجویز این داروها توضیح داد: مصرف آنتی‌بیوتیک باید بر اساس تشخیص پزشک باشد. برای مثال، اگر فردی با تب و سرفه مراجعه کند و مشخص شود به ذات‌الریه مبتلاست، ممکن است به آنتی‌بیوتیک نیاز داشته باشد. همچنین اگر پزشک هنگام معاینه گلو، عفونت باکتریایی و چرک را تشخیص دهد، تجویز این دارو ضرورت پیدا می‌کند.

وی در مقابل، درباره مصرف خودسرانه آنتی‌بیوتیک برای علائم ساده سرماخوردگی گفت: فردی که با آبریزش بینی و علائم معمول سرماخوردگی مراجعه می‌کند، لزوماً نیازی به آنتی‌بیوتیک ندارد. به‌ویژه در مورد کودکان، متأسفانه به محض بروز تب، برای آنها آنتی‌بیوتیک تجویز می‌شود و این مسئله از همان دوران کودکی عادت مصرف بی‌رویه دارو را ایجاد می‌کند.

این استاد دانشگاه با تأکید بر ضرورت افزایش آگاهی عمومی خاطرنشان کرد: هم پزشکان باید آنتی‌بیوتیک را به‌درستی و در موارد ضروری تجویز کنند و هم مردم نباید از پزشک انتظار داشته باشند که برای هر بیماری آنتی‌بیوتیک تجویز کند. این موضوع به آموزش گسترده نیاز دارد و باید از مدارس و خانواده‌ها تا سایر بخش‌های جامعه درباره آن اطلاع‌رسانی شود.



محرز در پایان ابراز امیدواری کرد با ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر، از عرضه دارو بدون نسخه در داروخانه‌ها جلوگیری شود و مردم نیز از تهیه و مصرف خودسرانه آنتی‌بیوتیک‌ها خودداری کنند.